

## خبر

## توافق اصولی برای پایان جنگ کره

● مون جائه این، رئیس‌جمهوری کره جنوبی، رابطه با کره شمالی را یکی از پایه‌های اصلی کار دولت خود قلمداد می‌کند. به گزارش بی‌بی‌سی، او می‌گوید دو کره، آمریکا و چین برای پایان رسمی جنگ کره به توافق اصولی رسیده‌اند. اما مذاکرات هنوز به دلیل خواسته‌های کره شمالی آغاز نشده است. جنگ کره که بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ جریان داشت با متارکه تخاصم پایان یافت اما هیچ قرارداد صلحی میان طرف‌های جنگ امضا نشد. کره شمالی با حمایت چین و کره جنوبی با حمایت آمریکا از آن زمان عملاً در شرایط جنگی و رابطه‌ای پر تنش گرفتار شده‌اند. مون جائه این که درحال‌حاضر در استرالیا است، این خبر را در کنفرانس خبری مشترکی با نخست‌وزیر استرالیا در کانبرا اعلام کرد.

**کره شمالی چه می‌خواهد؟**

کیم یو جونگ، خواهر برنفوذ رهبر کره شمالی، در ماه سپتامبر موافقت کشورش با گفت‌وگو بر سر پایان رسمی جنگ را ترویجا اعلام کرد اما گفت آمریکا ابتدا باید «دست از سیاست خصمانه خود بردارد». کره شمالی مرتب به حضور نیروهای آمریکایی در کره جنوبی و مانور نظامی هرساله دو کشور و تحریم‌ها به رهبری آمریکا علیه برنامه هسته‌ای کره شمالی اعتراض می‌کند. آمریکا نیز بارها گفته کره شمالی باید ابتدا و قبل از هرگونه لغو تحریمی، برنامه هسته‌ای تسلیحاتی خود را متوقف کند. روز دوشنبه مون گفت کره شمالی گمان‌کار بر خواسته‌های خود به‌عنوان پیش‌شرطی برای آغاز مذاکرات اصرار دارد. جنگ کره با پیشروی ۷۵ هزار نفر از نیروهای کمونیست شمال در ژوئن ۱۹۵۰ به سمت منطقه جنوب آغاز شد. چند ماه بعد نیروهای آمریکا با حمایت از جنوب شبه‌جزیره وارد جنگ شدند و نیروهای شمال را که از حمایت چین واتحاد جماهیر شوروی برخوردار بودند به عقب راندند. در جولای ۱۹۵۳ جنگ فرسایشی و خونبار منجر به امضای توافق ترک مخاصمه میان آمریکا و کره شمالی شد. پنج میلیون نفر نظامی و غیرنظامی جان خود را در این جنگ از دست دادند.

## نخستین دیدار بنت با ولیعهد ابوظبی

● نفتالی بنت، نخست‌وزیر اسرائیل با محمد بن‌زاید آل‌نهیان، ولیعهد ابوظبی، دیدار و گفت‌وگو کرد. این اولین دیدار رودرو عالی‌رتبه‌ترین مقامات اسرائیل و امارات است. بنت پیش از سفر به امارات در سخنانی گفت: «من در حال رفتن به امارات متحده عربی هستم، در اولین دیدار رسمی به‌عنوان نخست‌وزیر اسرائیل. با شیخ محمد بن‌زاید ولیعهد امارات ملاقات می‌کنم و درباره گسترش روابط در شماري از زمینه‌ها بحث خواهیم کرد؛ به‌ویژه تقویت روابط اقتصادی و تجاری. تنها در یک سال از زمان عادی‌سازی روابط شاهد پتانسیل فوق‌العاده‌ای در شراکت دو طرف بودیم. این تازه شروع است». بنت و آل‌نهیسان پیش از گفت‌وگو با یکدیگر دست داده و عکس یادگاری گرفتند. آنها همچنین درخصوص بخش‌های حیاتی که از اهتمام ویژه دو طرف برخوردار است، به‌ویژه در زمینه‌های کشاورزی، امنیت غذایی، انرژی‌های تجدیدپذیر، تکنولوژی پیشرفته و بهداشت به بحث و تبادل‌نظر پرداختند که خواسته‌های آنها را درخصوص همکاری گسترده‌تر در چارچوب «پیمان ابراهیم» که بین دو طرف در سال گذشته میلادی امضا شد، محقق می‌کند.

سال ۲۰۱۲ و زمانی که «شی جین‌پینگ» از سوی نمایندگان ارشد حزب کمونیست چین به رهبری این حزب منصوب شد، یک اقتصاددان دانش‌آموخته دانشگاه هاروارد را همراه با خود وارد دفتر سیاسی این حزب حاکم بر چین کرد. «لیو هی»، همکلاسی و دوست صمیمی شی جین‌پینگ در یک مدرسه راهنمایی یکن در اوایل دهه ۱۹۶۰ بود.

لیوو که متولد ژانویه ۱۹۵۲ است، در رشته اقتصاد صنعتی از دانشگاه زمین یکن فارغ‌التحصیل شد و بعدها در دانشگاه استون‌هال تحصیل کرد و سپس کارشناسی ارشد خود را در رشته مدیریت دولتی از دانشگاه هاروارد دریافت کرد.

«هی» شروع خوبی در عرصه سیاسی کنار «شی» داشت و در جایگاه مذاکره‌کننده ارشد تجاری چین با ایالات متحده، اعتماد همران حزب کمونیست چین را بیش از گذشته جلب کرد. در دنیای پرشتاب امروز و در کشوری که تکان‌دادن سر یا اخم رئیس‌جمهوری می‌تواند زندگی یک مقام را زیرورو کند، هی به آرامی توانسته نزدیک‌ترین موقعیت را در کنار شی داشته باشد. رئیس‌جمهور اقتدارگرای چین بارها او را «فردی بسیار مهم» برای خود دانسته است.

در ماه می ۲۰۱۸، لیو نیز به‌عنوان مذاکره‌کننده ارشد تجاری برای جنگ تجاری چین و ایالات متحده منصوب شد و در اوایل اکتبر ۲۰۱۹، لیو با همتایان آمریکایی خود در مورد یک معامله تجاری مقدماتی میان دو کشور مذاکره کرد. هی در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ در آمریکا، مدیریت مذاکرات تجاری یکن و واشنگتن را بر عهده داشت و به زعم مقام‌های یکن، درایت او باعث شد تا از شدت مناقشه تجاری با ترامپ کاسته شود. بر اساس توافقی که آن زمان به دست آمده بود جنگ تعرفه‌های آمریکا و چین تا حدی فروکش کرد اما کالاهای چینی همچنان مشمول تعرفه‌های ۳۶۰ میلیارد دلاری آمریکا بودند و حکومت یکن این کاهش میزان تعرفه‌ها را نوعی پیروزی برای خود قلمداد می‌کرد.

لیوو در کنار حضور در دفتر سیاسی حزب کمونیست و نیز برعهده‌داشتن نقش مشاور شی جین‌پینگ، همچنین مدیر دفتر کمیسیون مرکزی امور مالی و اقتصادی حزب کمونیست چین است



### «لیو هی» همکلاسی و مشاور ارشد اقتصادی شی جین پینگ

# مرد پشت صحنه یکن

و ریاست این کمیسیون را هم شی در دست دارد. نقش آفرینی مثبت هی در مذاکرات تجاری با واشنگتن باعث شد تا مقام‌های حزب کمونیست چین علاوه بر انتصاب او به‌عنوان یکی از معاونان نخست‌وزیر، ریاست کمیته ثبات مالی و توسعه را هم برای هی در نظر بگیرند. او مقالات زیادی در زمینه اقتصاد کلان، سیاست توسعه صنعتی و اقتصادی چین، نظریه جدید اقتصادی و صنعت اطلاعات در سایت‌های دولتی چین و تعدادی از نشریات خارجی منتشر کرده است.

از آغاز سال ۲۰۱۳، لیو رسماً به‌عنوان مشاور شی منصوب شد و در مورد یک‌سری از ابتکارات اقتصادی به او مشورت داد و گمان می‌رود که یکی از معماران اصلی سیاست اقتصادی چین در نزدیک به یک دهه اخیر باشد. او همچنین به‌عنوان عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست در مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۸ در داووس سخنرانی کرد. با وجود سمت‌های متعددی که شی و حزب حاکم کمونیست چین برای لیو در نظر گرفته‌اند، او به‌طور ثابت و در کنار تمام سمت‌ها، برای کمیسیون برنامه‌ریزی ملی، مرکز اطلاعات دولتی و مرکز تحقیقات توسعه شورای دولتی هم کار کرده است.

**تدوینگر اصلاحات بزرگ**

نشریه دانشگاه هاروارد جزئیات بیشتری درباره

## جهان

عرصه قدرت تجربه کرد. او در حالی وارد ساختار قدرت در حزب کمونیست چین شد که نیاز به یادگیری بسیاری از مسائل درباره چین و نگاه یکن به جهان داشت تا بتواند بهترین سیاست اقتصادی را برای پرجمعیت‌ترین کشور جهان و دومین قدرت اقتصادی پس از ایلات متحده تدوین کند.

لیوو در سال ۲۰۱۲ و در یکی از مقاله‌های خود، دو بحران جهانی رکود بزرگ سال ۱۹۲۹ و بحران مالی ۲۰۰۸ را با هم مقایسه کرد و راه‌حلی برای جلوگیری از تکرار آن ارائه داد. این مطالعه در اوایل بحران مالی سال ۲۰۰۸ که از شرق آسیا آغاز شد، انجام گرفت و در تابستان ۲۰۱۲ در چین منتشر شد. انتشار این مقاله تفصیلی نام او را بیش از گذشته بر سر زبان‌ها انداخت، به نوشته لیو، هدف این مقاله درک وقایع گذشته بود تا «بحران مالی جاری را به‌طور ایمن و با کمترین هزینه ممکن سپری کنیم و با یادگیری از تاریخ به‌طور فعال‌تری به چالش‌های مشابه پاسخ دهیم». لیو سیاست‌ها و انتخاب‌های مقام‌های چینی پس از بروز بحران مالی سال ۲۰۰۸ را تا حد زیادی تأیید می‌کند. عمده این سیاست‌ها به دست شخص لیو تدوین شده بود و راهکار‌های او به اقتصاد چین اجازه می‌داد نه‌تنها از بحران عبور کند، بلکه از همه اقتصادهای بزرگ دیگر، رشد اقتصادی بیشتری را ثبت کند. او در تفسیر خود از بحران مالی ۲۰۰۸ و همچنین دیگر مقالات، گزارشی دقیق از گذشته و سرخ‌های زیرکانه‌ای برای آینده ارائه می‌دهد. واقعیت بی‌رحمانه این است که از زمان بحران مالی ۲۰۰۸، تقریباً ۴۰ درصد از کل رشد اقتصادی جهانی فقط در یک کشور اتفاق افتاده است؛ چین. این موفقیت برای چین در حالی به دست آمد که این کشور تنها ۱۵ درصد از جمعیت جهان و کمتر از ۲۰ درصد از درآمد اقتصاد جهان را به خود اختصاص داده است. این رشد غیرقابل تصور نتیجه رویکردهایی بود که لیو به‌عنوان مرد پشت صحنه اقتصاد چین برای کشور کمونیست این کشور تدوین کرد. بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸ برای تمام کشورها فاجعه‌بار بود، اما لیو در پی این بحران نامی برای خود دست‌وپا کرد و صعودش به ساختار قدرت در حزب کمونیست چین سرعت بیشتری گرفت.

طالبان به‌ویژه شبکه حقانی نیز با تعدادی از مقام‌های دولت و سیاست‌مداران بیرون از دولت ارتباط گرفته بود و آنان به گفته خلیل حقانی پیش از پیش به طالبان تسلیم شده بودند. فساد باعث شده بود هیچ‌کسی متوجه خالی‌شدن پایگاه‌های نظامی از سربازان جنگی نشود و در واقعیت کمتر از یک‌سوم نیروها در اختیار دولت بود. اعتماد بیش از حد حکومت غنی بر نیروهای موسوم به قطعات صفری (نیروهای ویژه امنیت ملی) باعث شد ارتش افغانستان همچنان در دست نژاد‌های فاسد باقی بماند و در نتیجه در زمان پیشروی طالبان به سوی شهرها، بدون درگیری سلاح‌های خود را به طالبان تسلیم کردند. با سقوط شهرهایی مثل هرات، بلخ و قندهار، به نظر می‌رسید اشرف غنی متقاعد شده بود که نمی‌تواند بیشتر از این در مقابل طالبان مقاومت کند. او جمع بزرگی از سیاست‌مداران افغان را به ارگ خواست با‌آنان گفت‌وگو کند؛ حوالی که همان روز، امرالله صالح، معاون اول غنی، خود را به پنجشنبه‌رسانده بود؛ او زودتر از هرکس دیگر متوجه سقوط کابل شده بود. ماتیو ایکینز می‌گوید چند شب پیش از سقوط، به میهمانی یکی از مقام‌های دولت به وزیر اکبرخان رفته بود. آنجا ناگهان شایعه شد که آمریکا فرودگاه کابل را به روی پروازهای تجاری خواهد بست، زیرا روند تخلیه را آغاز می‌کند. به گفته ایکینز، ناگهان همه افرادی که در ایسن میهمانی بودند و از مقام‌های دولت به شمار می‌رفتند، به سمت موبایل‌های خود هجوم بردند و درصدد زرزو بلیت برای خروج از افغانستان برآمدند؛ درحالی‌که سفر مقام‌های دولت به بیرون از افغانستان ممنوع شده بود. پس از آن با آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا، درباره انتقال قدرت به‌صورت نرم به طالبان گفت‌وگو کرد اما همان شب مزارشریف هم سقوط کرد. مارشال دوستم و عطا محمد نور که ادعا داشتند شمال را به قبرستان طالبان تبدیل خواهند کرد، به سمت ازبکستان فرار کردند. جاوید کوتوال، رئیس دفتر اکرم خیلواک، مشاور رئیس‌جمهوری، از پنجره اتاقش عکسی از اشرف غنی در حال کتاب‌خواندن گرفته بسود. او بعداً دید که حمدالله محب، مشاور شورای امنیت افغانستان، با یک عرب به نزد غنی آمد. این دیدار در برنامه روزانه غنی درج نشده بود. فرد عرب سیف نام داشت که از دوستان محب بود و با اهل قدرت آشنایی زیادی داشت. به نظر می‌رسد این عرب پیام مقام‌های امارات مبنی بر انتقال رئیس‌جمهوری به یک پرواز چارتر را به او رسانده باشد. حوالی ساعت ۱۱، صدای تیراندازی در نزدیکی ارگ به گوش رسید. منشأ این تیراندازی مشخص نشد، اما باعث شد نیروهای ویژه محافظت رئیس‌جمهوری، سریع کارمندان ارگ را از محل کارشان خارج کنند. هرچند در همین لحظات، متین یبک، رئیس دفتر اشرف غنی، در توئیترش نوشته بود که اوضاع تحت کنترل است، اما محب آماده فرار می‌شد. ماتیو ایکینز می‌گوید محب بعداً به او نوشته بود که خلیل حقانی با او تماس گرفته و از او خواسته بود تسلیم شود. با فرار غنی هرچومرغ در کابل شکل گرفت و اکثریت سیاست‌مداران به حامد کرزی رجوع کردند تا کنترل اوضاع را در دست بگیرد، اما کرزی از این مسئله امتناع کرد. در همین زمان در دوحه، زلمی خلیل‌راد، نماینده آمریکا، همراه با فرانک مکزی رئیس ستکام، از ملابرد، نماینده طالبان در مذاکرات خواسته بود در شجاع ۲۰ کیلومتری از مرکز کابل حضور نداشته باشند، اما ملابرد با این طرح مخالفت کرده و گفته بود نیروهای امنیتی پاسگاه‌های او را ترک کرده‌اند. حوالی ساعت شش‌ونیم شب طالبان اعلان کرده‌ند که وارد کابل شده‌اند. آنان برای ورود به کابل آماده نبودند و فکر می‌کردند دو هفته‌ای در اطراف کابل خواهند ماند. گفته می‌شود طالبان با کمتر از هزار نفر وارد شهر کابل شدند؛ شهری که بیش از ۱۰ هزار نیروی امنیتی در خود داشت. بخش چهارم این گزارش طولی ماتیو ایکینز، به روزگارپس از جمهوریت اختصاص دارد. او می‌گوید هرچند رهبری طالبان، عفو عمومی را اعلان کرد، اما این مسئله باعث نشد جنگجویان این گروه افراد را نکند. او از قتل‌های مرموز در قندهار و دیگر نقاط افغانستان خبر می‌دهد؛ رودن افراد و کم‌شدن آنان و اینکه مردم هنوز از طالبان می‌ترسند.

# فرانسه از خاورمیانه چه می‌خواهد

توازن در خاورمیانه ایفا می‌کند.

سفر او به منطقه در حالی است که قربانیان جنگ یمن، شکایتی را با موضوع «تامین اعتبار ترویسیم» علیه محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان و امارات اقصه کرده‌اند. این شکایت از طرف یک سازمان غیردولتی یعنی به نام «مرکز قانونی مدافع حقوق و توسعه» که به‌عنوان سازمانی نزدیک به حوثی‌های مستقر در صنعا شناخته می‌شود، ثبت شده است.

همچنین دو وکیل فرانسوی اخیراً شکایتی را از طرف هشت یمنی که قربانی شکنجه و بمباران‌های ائتلاف عربی بوده‌اند، به دادگاهی در شهر پاریس ارائه داده و اعتقاد دارند بهترین متحدین ما، مشتریان فروش‌های تسلیحاتی ما و بدترین دشمنان ما کسانی هستند که حمله به دفتر نشریه «شارلی ابدو» را در ژانویه ۲۰۱۵ فرماندهی کرده‌اند. این وکلا شکایتی را علیه ولیعهد عربستان، بن‌زاید آل‌نهیان و رئیس ستاد مشترک ارتش این دو کشور ثبت کرده‌اند که رؤس اتهامی آن شامل «جنایت، شکنجه، حذف اجباری و همدستی در اقدامات ترویستی» عنوان شده است. دیدار مکرون در افکار عمومی یازتاب منفی داشت؛ چراکه او اولین رئیس دولتی بود که با ولیعهد عربستان دیدار کرد. هیچ رئیس دولت اروپایی از زمان محرومیت محمد بن‌سلمان، پس از ترور جمال خاشقچی روزنامه‌نگار در استانبول با او ملاقات نکرده است. او پیش از دیدار با بن‌سلمان، چنین توجیه کرده بود که «چه کسی می‌تواند بدون مذاکره با عربستان، اولین کشور خلیج فارس از نظر وسعت و جمعیت، عضو گروه ۲۰ و اقتصاد اصلی منطقه، تلاش برای ثبات خاورمیانه را تصور کند».

سفر مکرون فقط به فروش رافال خلاصه نمی‌شود. فرانسه اکنون یکی از متحدان اصلی کشورهای پادشاهی خلیج فارس است و اخیراً از قرارداد فروش ۸۰ رافال چندمنظوره و ۱۲ هلی‌کوپتر رزمی کاراکال به امارات رونمایی کرده است. امارات همچنین خواهان خرید ۱۲ بالگرد نظامی از نوع «کاراکال» ساخت شرکت ایرباس نیز هست و اگر دولت جو بایدن در تسلیم ۵۰ جنگنده اف-۳۵ به ابوظبی تعلل کند، فروش رافال‌ها خبر بسیار خوبی برای صنعت پرونق فرانسه است.

تانک‌ها و موشک‌های فرانسوی پیش از این علیه دشمنان سعودی‌ها در یمن استفاده شد، با توجه به امضای قرارداد بزرگ تسلیحاتی فرانسه با امارات، تهران، پاریس را به «بی‌ثبات‌سازی» خاورمیانه از طریق فروش اسلحه متهم کرده و بر این باور است تسلیحاتی که فرانسه به کشورهای عرب

خلیج فارس می‌فروشد، ریشه همه مشکلاتی است که شاهد آن هستیم.

رئیس‌جمهوری فرانسه پیش‌تر هم ثابت کرده برای حقوق بشر اهمیت چندانی قائل نیست، او سال گذشته نیز «لژیون دونور» با نشان افتخار فرانسه را به رئیس‌جمهوری مصر داد که به سرکوبگری معروف است. در حقیقت پاریس تا زمانی که بتواند به کشورهای عرب منطقه سلاح بفروشد و از منابع انرژی آنها بهره‌مند شود، لزومی نمی‌بیند که نگران مسائل حقوق بشری باشد.

این در حالی است که کشورهای پادشاهی خلیج فارس که ثروت‌شان حسادت همگان را برمی‌انگیزد، همیشه آمریکا را ضامن نهایی خود می‌دانستند، اما اکنون واشنگتن دیگر نیازی به منابع نفتی آنها ندارد و خود در حال تبدیل‌شدن به صادرکننده خالص انرژی است و همچنین تمایل خود را برای کاهش مداخلات خارجی نشان داده است.

نحوه عقب‌نشینی عجولانه آنها از عراق و افغانستان و چگونگی دست‌کشیدن از سوریه، گواه این امر است. بنابراین اجتناب‌ناپذیر است که پادشاهی‌های منطقه به سمت کشورهایی دیگر بروند؛ کشورهایی که ممکن است به ثبات خاورمیانه علاقه‌مند باشند.

مکرون همچنین تلاش می‌کند با استفاده از همه ظرفیت‌ها و انعقاد قراردادهای نظامی و تجاری به کشورهای ثروتمند خلیج فارس، موقعیت خود را در انتخابات آتی ریاست‌جمهوری فرانسه بهبود ببخشد و دور دوم زمامداری خود را تثبیت کند.

این معامله تسلیحاتی، بزرگ‌ترین درخواست خارجی برای جنگنده‌های رافال فرانسه از سال ۲۰۰۴ است و توافق بزرگی به شمار می‌رود که بیش از هفت هزار شغل برای فرانسوی‌ها ایجاد می‌کند. بعد از امضای این قرارداد، سهام شرکت داسو سازنده فرانسوی هواپیمای رافال، بیش از ۹ درصد جهش کرده است.

علاقه مکرون به‌منطقه در حالی است که این کشور با ریاست دوره‌ای بر اتحادیه اروپا از ابتدای سال ۲۰۲۲ روبه‌رو است. رویکرد او احیای جایگاه سیاسی-نظامی اروپا در قالب استقلال‌طلبی و راهبردی این اتحادیه است. خروج آمریکا از افغانستان و ادعای کاهش نیروها در خاورمیانه، فرصتی برای اتحادیه اروپا است تا خلا به‌وجودآمده را با حضور حداکثری خود پر کند. بنابراین مسفرهای خاورمیانه‌ای مکرون به‌منزله بزرگ‌نمایی نقش اروپا در معادلات این منطقه و فرصتی برای کاهش بی‌اعتمادی‌های شرکای منطقه‌ای خواهد بود.

## روزنه

## سقوط کابل

## روایت روزهای آخر جمهوریت

● ماتیو ایکینز، گزارشگر آزاد که برای نیویورک‌تایمز می‌نویسد، گزارش بلندی را درباره چگونگی سقوط کابل و فرار سیاست‌مداران افغانستان نوشته است. به گزارش ایندیندنت، ایکینز گزارش خود را از ماه جولای، یک ماه قبل از سقوط کابل روایت می‌کند. به باور ایکینز بخش زیادی از سیاست‌مداران افغان فکر می‌کردند امکان اینکه افغانستان ظرف شش ماه پس از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان سقوط کند، وجود ندارد. با وجود فساد و تعصب در حکومت، همه باور داشتند که در مواجهه با طالبان، نیروهای افغان متحد با هم علیه آنان خواهند جنگید؛ چیزی که خیل سریع مشخص شد وجود ندارد.

با امضای توافق صلح میان آمریکا و طالبان در فوریه ۲۰۲۰، گروه طالبان تقریباً دولت افغانستان را دور زد. آنان نیازی نداشتند تا مذاکره هم‌زمان با دولت افغانستان را که از دید آنان یک رژیم دست‌نشانده بود، به پیش ببرند. با آغاز پیشروی طالبان به سوی شهرهای بزرگ، تعدادی از سیاست‌مداران چه در داخل و چه در بیرون حلقه قدرت، فاصله خود را با حکومت غنی بیشتر کردند. آنان می‌دانستند که در روند فعلی سیاسی، اشرف غنی دیگر وجود نخواهد داشت. غنی نیز متوجه این موضوع شده بود و به همین دلیل برای برنامه‌های صلح بن‌بست‌های مختلف ایجاد می‌کرد.

طالبان به‌ویژه شبکه حقانی نیز با تعدادی از مقام‌های دولت و سیاست‌مداران بیرون از دولت ارتباط گرفته بود و آنان به گفته خلیل حقانی پیش از پیش به طالبان تسلیم شده بودند. فساد باعث شده بود هیچ‌کسی متوجه خالی‌شدن پایگاه‌های نظامی از سربازان جنگی نشود و در واقعیت کمتر از یک‌سوم نیروها در اختیار دولت بود. اعتماد بیش از حد حکومت غنی بر نیروهای موسوم به قطعات صفری (نیروهای ویژه امنیت ملی) باعث شد ارتش افغانستان همچنان در دست نژاد‌های فاسد باقی بماند و در نتیجه در زمان پیشروی طالبان به سوی شهرها، بدون درگیری سلاح‌های خود را به طالبان تسلیم کردند. با سقوط شهرهایی مثل هرات، بلخ و قندهار، به نظر می‌رسید اشرف غنی متقاعد شده بود که نمی‌تواند بیشتر از این در مقابل طالبان مقاومت کند. او جمع بزرگی از سیاست‌مداران افغان را به ارگ خواست با‌آنان گفت‌وگو کند؛ حوالی که همان روز، امرالله صالح، معاون اول غنی، خود را به پنجشنبه‌رسانده بود؛ او زودتر از هرکس دیگر متوجه سقوط کابل شده بود. ماتیو ایکینز می‌گوید چند شب پیش از سقوط، به میهمانی یکی از مقام‌های دولت به وزیر اکبرخان رفته بود. آنجا ناگهان شایعه شد که آمریکا فرودگاه کابل را

به روی پروازهای تجاری خواهد بست، زیرا روند تخلیه را آغاز می‌کند. به گفته ایکینز، ناگهان همه افرادی که در ایسن میهمانی بودند و از مقام‌های دولت به شمار می‌رفتند، به سمت موبایل‌های خود هجوم بردند و درصدد زرزو بلیت برای خروج از افغانستان برآمدند؛ درحالی‌که سفر مقام‌های دولت به بیرون از افغانستان ممنوع شده بود. پس از آن با آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا، درباره انتقال قدرت به‌صورت نرم به طالبان گفت‌وگو کرد اما همان شب مزارشریف هم سقوط کرد. مارشال دوستم و عطا محمد نور که ادعا داشتند شمال را به قبرستان طالبان تبدیل خواهند کرد، به سمت ازبکستان فرار کردند. جاوید کوتوال، رئیس دفتر اکرم خیلواک، مشاور رئیس‌جمهوری، از پنجره اتاقش عکسی از اشرف غنی در حال کتاب‌خواندن گرفته بسود. او بعداً دید که حمدالله محب، مشاور شورای امنیت افغانستان، با یک عرب به نزد غنی آمد. این دیدار در برنامه روزانه غنی درج نشده بود. فرد عرب سیف نام داشت که از دوستان محب بود و با اهل قدرت آشنایی زیادی داشت. به نظر می‌رسد این عرب پیام مقام‌های امارات مبنی بر انتقال رئیس‌جمهوری به یک پرواز چارتر را به او رسانده باشد. حوالی ساعت ۱۱، صدای تیراندازی در نزدیکی ارگ به گوش رسید. منشأ این تیراندازی مشخص نشد، اما باعث شد نیروهای ویژه محافظت رئیس‌جمهوری، سریع کارمندان ارگ را از محل کارشان خارج کنند. هرچند در همین لحظات، متین یبک، رئیس دفتر اشرف غنی، در توئیترش نوشته بود که اوضاع تحت کنترل است، اما محب آماده فرار می‌شد. ماتیو ایکینز می‌گوید محب بعداً به او نوشته بود که خلیل حقانی با او تماس گرفته و از او خواسته بود تسلیم شود. با فرار غنی هرچومرغ در کابل شکل گرفت و اکثریت سیاست‌مداران به حامد کرزی رجوع کردند تا کنترل اوضاع را در دست بگیرد، اما کرزی از این مسئله امتناع کرد. در همین زمان در دوحه، زلمی خلیل‌راد، نماینده آمریکا، همراه با فرانک مکزی رئیس ستکام، از ملابرد، نماینده طالبان در مذاکرات خواسته بود در شجاع ۲۰ کیلومتری از مرکز کابل حضور نداشته باشند، اما ملابرد با این طرح مخالفت کرده و گفته بود نیروهای امنیتی پاسگاه‌های او را ترک کرده‌اند. حوالی ساعت شش‌ونیم شب طالبان اعلان کرده‌ند که وارد کابل شده‌اند. آنان برای ورود به کابل آماده نبودند و فکر می‌کردند دو هفته‌ای در اطراف کابل خواهند ماند. گفته می‌شود طالبان با کمتر از هزار نفر وارد شهر کابل شدند؛ شهری که بیش از ۱۰ هزار نیروی امنیتی در خود داشت. بخش چهارم این گزارش طولی ماتیو ایکینز، به روزگارپس از جمهوریت اختصاص دارد. او می‌گوید هرچند رهبری طالبان، عفو عمومی را اعلان کرد، اما این مسئله باعث نشد جنگجویان این گروه افراد را نکند. او از قتل‌های مرموز در قندهار و دیگر نقاط افغانستان خبر می‌دهد؛ رودن افراد و کم‌شدن آنان و اینکه مردم هنوز از طالبان می‌ترسند.